

## الگوبرداری از عناصر طبیعت برای طراحی و پنداشت شهرشاد با هدف ارتقاء کیفیت زندگی شهری

حامد احمدی<sup>۱</sup>، سیدمهدی رسولی<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران غرب (نویسنده مسئول)

<sup>۲</sup> دانشجوی دکتری معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز

### چکیده

برنامه ریزی مسکن شهری که بر ارتباط بین همسایگان و شراکت شخصی از این دست متکی است و از آن بهره می‌جوید، اغلب برای مردم متعلق به لایه‌های بالایی طبقه متوسط که خود، خواهان آن هستند، اجتماعاً خوب عمل می‌کند. در شهرها که مردم در آن با انتخاب شراکت بیشتر یا هیچ رو به رو هستند نتیجه عمدتاً هیچ است. در نواحی شهری که فاقد زندگی عمومی طبیعی یا غیر رسمی است، آنچه غالباً روی می‌دهد آن است که ساکنان خود را به شدت از دیگران جدا ساخته و منزوی می‌کنند. اگر ارتباط شما با همسایگانتان تهدیدی است که شما را با زندگی خصوصی آنها یا آنها را با زندگی خصوصی شما درگیر می‌کند و اگر شما نمی‌توانید مانند لایه‌های بالایی طبقه متوسط که خود، خواهان آن هستند در مورد همسایگانتان دقت به خرج دهید، راه حل منطقی قضیه پرهیز کامل از دوستی یا ارایه خودمانی یاری است. روش تحقیق برای انجام این پژوهش به صورت روش توصیفی-تحلیلی و استدلالی منطقی است و برای جمع‌آوری اطلاعات به پژوهش‌های دیگر استناد شده است. نتایج اینطور نشان می‌دهد هنگامی که یک کاربری اصلی به صورتی مؤثر با کاربری اصلی دیگری که مردم را در زمان‌های مختلف به خیابان می‌کشاند ترکیب شود، از نظر اقتصادی اثر محرک دارد؛ محیطی مساعد برای تنوع ثانویه. تنوع ثانویه به کسب و کارهایی اطلاق می‌شود که در پاسخ به حضور کاربری‌های اصلی، به منظور خدمت به مردمی که کاربری‌های اصلی به آنجا می‌کشاند رشد می‌کنند. اگر این کاربری ثانویه تنها به یک کاربری اصلی، صرف نظر از نوع آن خدمت کنند ذاتاً ناکارآمد خواهد بود. اما در خدمت به کاربری‌های مختلط اصلی می‌تواند ذاتاً کارا و پر نشاط باشد.

**واژه‌های کلیدی:** طبیعت، شهرشاد، زندگی شهری، پیاده راه

## ۱- مقدمه

یکی از چالش‌های فراروی انسان در دنیای امروز، احساس شادمانی است؛ زیرا به رغم پیشرفت‌های چشمگیر در فناوری و تأمین آسایش انسان، احساس شادمانی وی افزایش نیافته است. فقدان شادی و نشاط در جامعه نتایج منفی بسیاری همانند افسردگی، بدبینی، ارزیابی منفی رویدادها، بی‌علاقگی به کار و فقدان وجدان کاری، اعتیاد به مواد مخدر، ناهنجاری‌های اجتماعی، رواج خشونت در روابط اجتماعی، طلاق، گرایش به فرهنگ بیگانه و غیر خودی را به دنبال دارد. در مقابل اگر افراد شادمان باشند، موجب بهبود و ارتقای عملکرد فردی و اجتماعی، سلامت روان، برخورداری از کیفیت بالای زندگی، ایجاد اجتماعی مثبت، سالم و کارآمد، خوشبینی و امید، اعتماد، احساس امنیت بیشتر، آسان گرفتن در تصمیم‌گیری و رضایت بیشتر میشود (باستانی، ۱۳۹۵). بر همین اساس جامعه‌شناس شهری رابرت پارک شهر را اینگونه توصیف می‌کند که شهر موفق‌ترین تلاش انسان برای شکل دادن جهانی که در آن زندگی می‌کنند، مطابق میل خود است. شهرها بخشی از عناصر تمدنی بشر و نماد عینی آن به شمار می‌رود. فضاهای که در دل شهر خلق می‌شود نشان‌دهنده هویت و شخصیت شهر است (جزایری ۱۳۷۹). بنابراین طراحی شهری موفق است که ارزش‌های انسانی را برا آورده کند. اگر را که بارزترین نمود تمایل و نیاز بشر به منزله کالبدی است و به واسطه حضور و حرکت انسان جان می‌گیرد و به حیات خود ادامه می‌دهد. (ایزدی، ۱۳۹۱) در همین راستا در مطالعات جدید شهری، شادی به یک مفهوم کلیدی تبدیل شده و ادبیات شادی روی نقش مکان، جوامع محلی و پیوستگی اجتماعی و حس تعلق حساب جدید باز می‌کند. انریکه پنالوسا شهردار بوگوتا با ابداع مفهوم "شادی شهری" پتانسیل شادی و رفاه را در سیاست‌های دولتی، برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری آشکار نمود. سیاست‌های پنالوسا و تصمیم‌گیران در "زیرساختهای رفاه"، نقش حیاتی برنامه‌ریزان و تصمیم‌گیران را در کمک به ارتقای کیفیت زندگی و شادی ساکنان شهرهایشان مورد تأکید قرار داد (سماواتی، ۹۷). برای فهم فقدان یا کمبود شادمانی به عنوان یک مسئله اجتماعی، میتوان به آمار موجود درباره شادمانی بپردازیم. نتیجه موج چهارم پیمایش ارزشهای جهانیان اینگلهارت نشان داد که متوسط سطح شادمانی نمونه ایران از بین ۶۹ کشور در رتبه ۶۱ قرار دارد و همچنین تحقیق موسوی (۱۳۸۷) نشان داد میزان شادمانی افراد در ایران پایین و کمتر از حد متوسط است. در شهر تهران میانگین شادمانی ۴۸/۸۷ است (باستانی، ۹۵). نقصان شادمانی می‌تواند به عنوان مانع جدی در راه شکوفایی استعدادهای فردی و توسعه و ترقی کشور قلمداد شود. عوامل متعددی از جمله روابط اجتماعی توأم با اعتماد، ارضای نیازها، مشارکت اجتماعی غیر رسمی، رضایت از زندگی و فضای شهری مناسب را در ایجاد شادمانی مؤثر دانسته‌اند فضاهای شهری با میزان جذابیت خود و اثرگذاری بر ذهن انسان می‌توانند شادابی و سرزندگی در شهرها و محله‌های آن را تأمین کنند. به عنوان مثال خیابان‌ها از مهمترین و مؤثرترین فضاهای شهری به حساب می‌آیند، که در مالکیت عموم بوده و توسط اقشار مختلف مردم استفاده می‌شوند. اگر خیابان‌های یک شهر جذاب باشد، شهر جذاب است و اگر خیابان‌هایش کسل‌کننده باشند، شهر نیز کسل‌کننده خواهد بود. این عقیده‌ای است که جین جیکوبز در مورد خیابان‌های یک شهر دارد (رفرنس زندگی و مرگ شهرهای آمریکایی) امروزه نقش فضاهای شهری در ایلام به ارتباط‌دهنده مقصدها تقلیل یافته و در آنها زندگی اجتماعی اتفاق نمی‌افتد. تعداد کسانی که در فضاهای شهری دلیلی برای مکث می‌یابند، اندک است، چرا که قابلیت‌های محیط برای پذیرش رفتارهای متنوع بسیار پایین بوده و در نتیجه نیازها و تمایلات عده‌ای اندک را پاسخ می‌گوید. همچنین یکی از تأثیراتی که زندگی مدرن در شهرهای بزرگی مانند تهران داشته است. کاهش تمایل به روابط نزدیک، عمیق و وقت‌گیر است. با وجود این، همچنان نیاز به روابط اجتماعی پابرجاست.

## ۱-۲- محیط، معماری و شهرسازی

روانشناسان، جامعه‌شناسان و معماران هر کدام و بر حسب رشته خود تعاریف زیادی از محیط دارند بر همین اساس نمی‌توان تعریف دقیقی از آن را بیان کرد. حال با توجه به این نکته محیط، مفهومی است پیچیده و مرکب که ابعاد گوناگون دارد. داده های فضایی، جنبه های اجتماعی، فرهنگی، فیزیکی، معماری، نمادی، جغرافیایی، تاریخی، و زیستی از ابعاد مهم محیط محسوب می شوند (مرتضوی، ۱۳۸۰) همچنین بنا بر عقیده بعضی دیگر از روانشناسان آن دسته از ویژگی های محیط ساخته شده که به طور مستقیم بر سلامت روان اثر گذار است می‌توان به این موارد اشاره کرد، آلودگی صوتی، کیفیت هوا و میزان نور، ازدحام، که این موارد علاوه بر تاثیرات مستقیم تغییراتی در روند روانی- اجتماعی که تبعات شناخته شده روان شناختی دارند و می‌تواند به طور مستقیم اثر بگذارند (طباطبائیان، ۱۳۹۱). از محوری ترین مقولات حوزه شهرسازی می‌توان به ادراک انسان از محیط گفت، که فرآیند کسب اطلاعات از محیط اطراف انسان می‌باشد (لنگ، ۱۳۸۱). می‌توان اینگونه گفت که ادراک انسان در مرکز هر گونه رفتار محیطی قرار دارد زیرا منبع تمام اطلاعات محیطی است (اندرو، ۱۳۷۸). طبق نتایج پژوهش‌های انجام شده توسط محققان حوزه معماری و شهرسازی، به گونه‌ای مستقیم و غیر مستقیم به موضوع تاثیرات محیط بر انسان پرداخته‌اند اینگونه بیان داشته‌اند که کیفیت هیجانی و عاطفی محیط مهمترین بخش رابطه فرد با محیط است می‌توان اینگونه گفت که کیفیت عاطفی محیط عامل اصلی در تعیین خلق و خو و خاطرات مرتبط با یک موقعیت است می‌توان بر سلامتی و تندرستی فرد اثر گذار باشد (Snodgrass, Russell, & Ward ۱۹۸۸). بنابراین رابطه انسان و محیط دو سویه است هر دو به نوعی بر هم تاثیر گذار و از هم متاثر می‌شوند (آلتن، ۱۳۸۲). بنا به نظریه بعضی از روانشناسان محیطی مطالعه روانشناختی رفتار انسان به گونه‌ای است که به زندگی روزمره او در محیط کالبدی مرتبط باشد. در روانشناسی محیط به آداب، رسوم، ارزشها و معیارهای اجتماعی و فرهنگی توجه می‌شود همچنین به عقیده برخی دیگر از روانشناسان محیط را بررسی متقابل بین فرد و قرارگاه فیزیکی وی تعریف می‌کنند بنابراین در چنین تاثیر متقابلی فرد محیط را دگرگون می‌کند و همزمان رفتار و تجارت وی به وسیله محیط دگرگون می‌شود (نمازیان، ۱۳۹۲). بنابراین شناخت محیطی مربوط به این امر می‌شود که ما چگونه اطلاعات راجع به محیط فیزیکی اطرافمان را تهیه، آماده، ذخیره و فراهم می‌نماییم. این مقوله شامل شناخت فضایی، که به ما در جهت یابی در محیط، کمک می‌کند و شناخت غیر فضایی، که دربرگیرنده خاطرات و مدل های ذهنی است، می‌باشد. ما با استفاده از ساده سازی، پیرایه گیری و حذفیات متوجه می‌شویم که مردم محیط پیرامون خود را چگونه می‌بینند و چه المان هایی برایشان مهم است. برخی روش ها به ما می‌آموزد که لازم نیست تمام اطلاعات را مانند یک نقشه به خاطر بسپاریم. بجای آن می‌توانیم یاد بگیریم که اطلاعات را برحسب نیاز خود و به گونه ای خلاصه در ذهن خود نگه داریم. ما ممکن است اطلاعات را ساده کنیم، تغییر دهیم و یا حذف کنیم ولی تمام این کار ها در راستای برآوردن نیاز های شخصی ما انجام می‌گردد

## ۱-۳- تاثیرات فضای سبز بر سرزندگی انسان

طراحی فضای سبز یکی از آن دسته کارهایی است که در هر فضا و مکانی جایگاه داشته و می‌تواند به عنوان یک عامل تاثیرگذار در سلامت روح و جسم انسان ها و به طور کلی تمام موجودات زنده، اثر بگذارد. چیزی که گاهی اوقات در زندگی شهرنشینی از آن غفلت می‌کنیم و البته آثار منفی آن نیز رفته رفته بر روح و روان ما تاثیر خود را می‌گذارد اصولاً فضای سبز مناسب در شهرها افزون بر سلامت جسمانی موجب آرامش روان، بازده کاری بیشتر و کیفیت زندگی برتر میشود و این در حالی است که در طراحی شهرها به این جنبه ها توجه چندانی نمی‌شود و در نتیجه در شهرها بیشتر از روستا

ها سلامت روانی و سلامت اجتماعی در معرض آسیب است یکی از عمده ترین تاثیرات فضای سبز در سلامت جسم انسان است.

زمانی که محل زندگی شما در محیطی مملو از گل و گیاهان بوده و به اندازه کافی فضای سبز مثبت در اطراف خود داشته باشید، اکسیژن کافی در هوا تولید شده و ریه ها هوایی تازه را تنفس خواهند کرد. این موضوع به صورت مستقیم بر عملکرد ریه ها، قلب و البته مغز شما اثر خواهد گذاشت. گردش خون بهبود یافته و هر روز صبح پس از بیدار شدن از خواب، احساس نشاط و سرزندگی کامل خواهید داشت. این تاثیر از فضای سبز بر سلامت جسم انسان، چیزی ثابت شده است و می توان به جرات از قطعیت آن سخن گفت. درست به همین دلیل است که دولت ها و شهرداری ها به جز بحث زیباسازی، به کاشت درخت ها و نهال های مختلف در جای جای شهرها تاکید دارند و هر یک از ما باید نسبت به حذف حتی یک درخت حساس و مسئول باشیم.

#### ۱-۴- استانداردهای فضای سبز و تعیین سرانه فضای سبز در ایران

تعیین سطح و سرانه کاربری فضای سبز در ایران تاکنون عمدتاً بر اساس استانداردهای مورد استفاده در کشورهای دیگر بوده است. تعیین سرانه فضای سبز تا حد زیادی بستگی به خصوصیات بیوکلماتیک منطقه و شهر دارد، بر این مبنا باید گفت سرانه فضای سبز در یک شهر کویری و یا یک شهر بزرگ مانند تهران نمی تواند شرایطی همانند با یک شهر ساحلی در استان مازندران داشته باشد. در شهرهای مختلف کشور نیز این رقم، با توجه به ویژگیهای متفاوت جغرافیایی و اقلیمی آنها، با اختلافاتی همراه است که میزان آنرا طرحهای مصوب هر یک از شهرها تعیین می کنند (شبکه ملی رشد استانداردهای فضای سبز).

#### ۲- روش تحقیق

روش تحقیق برای انجام این پژوهش به صورت روش توصیفی -تحلیلی و استدلالی منطقی استفاده شده است و برای جمع آوری اطلاعات به منابع مکتوب و کتابخانه ای مراجعه شده است.

#### ۳- مبانی نظری پژوهش

همانطور که سقراط در سال (۳۹۹-۴۷۰ پیش از میلاد) هدف اصلی از ایجاد شهر را تأمین نشاط شهروندان میداند پس، شادی جزئی جدا ناپذیر از روابط اجتماعی شهر است. زمانی که مردم جامعه های از شادی برخوردار باشند تعلق اجتماعی، ارتباطات اجتماعی مطلوب، رضایت از زندگی و انگیزه کار و تلاش بیشتر میشود، توسعه اقتصادی افزایش می یابد چنین جامعه های، مسیر پیشرفت و طرقي را طی خواهد کرد. محققان بر این باورند که داشتن جامعه سالم و پایدار مشروط به داشتن افرادی سالم شاد است. بحث نشاط و شادی اجتماعی است. به نظر میرسد علاوه بر اینکه عوامل اقتصادی-اجتماعی در پایین بودن نشاط و شادی ایران تأثیرگذار هستند، امروزه یکی از عواملی که نسبت به چند دهه گذشته بیشترین تأثیر در نشاط و شادی شهرها و شهروندان دارد، عوامل کالبدی فضاهای شهری هستند. شهرها بایستی به گونه ای طراحی شوند که

ساکنان را شادتر کنند. از دیدگاه مونتهگومری، شادی یک کانسپت و مفهوم نامشخص نیست، بلکه معادله ای تعریف شده و قابل اندازه گیری است و مستقیماً تحت تاثیر محیط ساخته شده پیرامون انسان است. از متروهای مملو از جمعیت گرفته تا گونه های معماری پیرامون ما و فضایی که در آن زندگی می کنیم، سطح استرس، سخاوت و بخشندگی و اعتماد ما به دیگران توسط طراحی شهری شکل می گیرد. شهر شاد بیانگر راهبرد اصلی مونتهگومری است که بالاترین سطح رضایت انسانی در کارکردن و بازی کردن با دیگران نهفته است

### ۳-۱- دل بستگی به مکان های شهری

وابستگی مکانی به پیوندهای عملکردی و هدف محور با یک قرارگاه اشاره دارد و باز نمود میزانی است که یک قرارگاه فیزیکی شرایطی را برای تأمین اهداف فراهم می آورد (قلعه نویی، ۱۳۹۶). بنابراین احساس دل بستگی به مکان عالی ترین مرتبه رابطه انسان و مکان است که به منظور بهرهمندی و تداوم حضور انسان در مکان، نقش تعیین کننده ای دارد. حس دل بستگی به معنی رابطه هم پیوند میان انسان و محیط است؛ در اثر این رابطه، مکان به لنگرگاهی روانی بدل می شود و اهمیت فضا برای شخص، بالاتر از یک نقطه در دستگاه مختصات است. اغلب، حس دل بستگی به مکان از تجربه های شخصی می گذرد و خاطرات جمعی پیوند می خورد (ویکی پدیا). همچنین مکان تنها یک سرپناه برای فعالیت های انسان نیست بلکه پدیده ای است که انسان در تعامل خود با آن، بدان معنا بخشیده و به آن دل بسته می شود تا آن جا که گاه حتی خود را با آن باز می شناسد. اگر از زاویه نیازهای انسان نیز به این مسئله نظاره کنیم، نیاز انسان به تعامل عاطفی با مکانی که در آن زندگی می کند و یا به عبارتی «دل بستگی به مکان»، از جمله مهم ترین ابعاد رابطه انسان و مکان است که باید مورد توجه معماران، طراحان و برنامه ریزان شهری قرار گیرد (دانشور، ۱۳۸۸). لذا در رابطه با دل بستگی به مکان می توان اینگونه گفت که در این سطح فرد با ارتباط عاطفی پیچیده های با مکان دارد مکان برای او معنا دارد و مکان محور فردیت است و تجارب جمعی و هویت فرد در ترکیب با معانی و نمادها به مکان شخصیت می دهد در این حالت بر منحصر به فرد بودن مکان و تفاوت آن با دیگر مکانها تاکید می شود (فلاح، ۱۳۸۵).

### ۳-۲- اقتصاد (پول تدریجی و پول شتابان)

پول نمی تواند در جاهایی که فاقد شرایط برای موفقیت ذاتی اند و استفاده از پول در عرضه آن با شکست رو به روست، برای شهرها موفقیت ذاتی خریداری کند. به علاوه در جایی که پول، نابودکننده شرایط لازم برای موفقیت ذاتی است تنها می تواند آسیب بی نهایت وارد آورد. از سوی دیگر پول می تواند با کمک در عرضه شرایط مورد نیاز، در ساختن موفقیت ذاتی یاری رسان شهرها باشد. در واقع این غیر قابل اجتناب است. سه نوع اصلی پول، غالب تغییراتی که در مستغلات مسکونی و تجاری شهرها روی می دهند، و تأمین مالی می کنند. زیرا پول ابزار فوق العاده نیرومندی است اولین و مهم ترین نوع پول، پول اعتباری است که توسط مؤسسات وام دهنده متعارف و غیر حکومتی ارائه می شود. نوع دوم پول، آن است که توسط حکومت چه از وصولی های مالیات و یا از طریق قدرت های وام دهنده حکومت عرضه می شود. و نوع سوم از دنیای سایه های سرمایه گذاری یا دنیای زیرزمینی نقد و نسبه است. این پول برای بازار وام رهنی مانند پول نزول برای تأمین مالی و فردی است. پول شتابان که به صورت متمرکز درون یک ناحیه سرازیر می شود، تغییرات شدیدی را ایجاد می کند. در حالتی عکس این رفتار، پول شتابان جریان باریک به نسبت اندکی را به محل هایی که با شتاب سر و کار ندارند، می فرستد. آن پولی که برای سرمایه گذاری، ساختن و تکمیل آنچه موجود است، ضروری است پول تدریجی است. این از موقعیت غیر قابل اجتناب فاصله دارد.

برعکس، آمدن به این گذر، خلاقیت خیرخواهانه قابل توجهی طلب می کند. بدترین موارد محلاتی هستند که پیشاپیش کسادند و اشکالات ذاتی فراوانی دارند. این محل ها که به صورت ساکنان قبلی خود را از دست می دهند، اغلب دستخوش شکل خاصی از سرمایه گذاری شتابانند. پس از این که در لیست سیاه وارد شدند، با اندکی تأخیر پول را از دنیای سایه سرمایه گذاری می کنند. پول به داخل سرازیر می شود. مستغالتی را که در حال حاضر خریدار دیگری ندارند و احتمالاً نخواهند داشت و صاحبان و استفائندگان فعلی نیز دلبستگی عمیق و مؤثری به آنها ندارند، میخرد. به دنبال آن تبدیل ساختمان ها به استثمارگرانه ترین زاغه ها به سرعت رخ می دهد. پول شتابان دنیای سایه فاصله به جا مانده از پول عرفی را پر می کند.

فقدان پول تدریجی، مناطق شهری که پیشاپیش در ذات خویش برای زندگی شهری مناسبند و بنابراین توان فراوانی برای بهبود سریع دارند، بایر می کند. پول حاصل از منابع عرفی که می تواند به تغییرات تدریجی بینجامد کجاست و به کجا می رود؟ بخشی از آن به طوفان های برنامه ریزی شده توسعه مجدد و نوسازی می رسد؛ بخش بیشتری از آن صرف خود ویرانگری تنوع و ورشکستگی موفقیت چشمگیر شهر می شود. بخش عمده آنها اصلاً صرف شهرها نمی شود، بلکه در عوض در حول و حوش شهر هزینه می گردد. اشکال پولی که برای ساختن شهرها به کار گرفته می شود امروزه ابزارهای قدرتمند زوال شهرهاست. اشکال ابزار پول باید به ابزارهی تجدید حیات تغییر یابد.

### ۳-۳- حاشیه نشینی و حاشیه سازی شهر

زاغه ها و جمعیتشان قربانیان مشکلات به نظر بی پایانی هستند که یکدیگر را تقویت می کنند. زاغه ها به مثابه محافلی شرور و آلوده عمل می نمایند. زمانی این محافل آلوده و شریر همه عملکرد های شهرها را درگیر می کنند. دیدگاه های برنامه ریزی متعارف به زاغه و زاغه نشینان در حقیقت پدرسالارانه است. مشکل پدر سالاران این است که می خواهند تغییرات عمیق غیر ممکن به پا کنند و راه های مصنوعی غیر ممکن برای انجام آن برگزینند. برای غلبه بر زاغه ها، باید زاغه نشینان را همچون مردمی به حساب آورد که قادر به درک منافع خود هستند و بر پایه آن عمل می کنند. پیوند کلیدی در یک زاغه ابدی این است که مردم بسیاری، بسیار سریع آن را ترک می کنند و مردم بسیاری در همان زمان رویای بیرون رفتن از آن را دارند. این همان پیوندی است که اگر قرار است سایر تلاش ها برای فائق آمدن به زاغه و زندگی زاغه حداقل فایده را داشته باشند، باید شکسته شود. از عنوان زاغه ابدی برای زاغه ها به این دلیل استفاده می شود که در طول زمان هیچ علامتی از بهبود و پیشرفت اجتماعی یا اقتصادی از خود نشان نمی دهند. با این همه، اگر شرایط برای خلق تنوع شهری برای محله ای که زاغه است معمول گردد و اگر هر نشانه ای از زاغه زدایی به جای نقش بر آب شدن، تشویق شود، هیچ دلیلی برای ابدی بودن هیچ زاغه ای وجود ندارد. جا به جایی زاغه یا حبس کردن زاغه، پیوند کلیدی در ابدی کردن زاغه ها را نمی شکند یعنی تمایل مردم بسیار، برای ترک بسیار سریع آن. این ابزارها تنها روند حرکت ابدی را تشدید و وخیم تر می کند. بنیان زاغه زدایی وجود سرزندگی در زاغه است، تا بتواند از زندگی عمومی شهر و امنیت پیاده راه لذت ببرد. بدترین بنیان، مکانی دلمرده و ملال آور است که در عوض خراب کردن زاغه ها، زاغه می سازد. عوامل فیزیکی محله به صورتی غیر مستقیم، میل به ماندن را آشکارا تحت تأثیر قرار می دهد. امنیت ارزشمند جایگاه خانه، گاهی، اطمینان خاطری از ترس فیزیکی است. زاغه هایی که خیابان هایشان خالی و ترسناکند و شخص در آن تا امن است به صورتی خود انگیخته زاغه زدایی نمی شوند. مردمی که در زاغه ای در حال زاغه زدایی می مانند، اغلب دلبستگی شدیدی را به محله خیابانی خود ابراز می کنند. در هر صورت، هر کجا که دلبستگی به زاغه آنقدر قوی می گردد تا محرک زاغه زدایی شود، دلبستگی قبل از زاغه زدایی آغاز شده است.

## ۳-۴- کاربرد پیاده راه

خیابان ها در شهرها علاوه بر جریان عبور و مرور پیاده وسائل نقلیه در خدمت مقاصد بسیاری هستند . یک پیاده راه شهری به خودی خود معنایی ندارند. چنین پیاده راهی چیزی جز یک انتزاع نیست . پیاده راه در پیوند با ساختمان ها ، کاربری هایی که در آن محاط است و یا در ارتباط با سایر پیاده راه های بسیار نزدیک معنا می یابد . این مسئله در مورد خیابان ها نیز مصداق دارد . به این معنا که آنها نیز در خدمت مقاصد علاوه بر عبور و مرور وسائل نقلیه درون خود هستند.

خیابان ها و پیاده راه هایشان عمده ترین مکان های عمومی یک شهر ، اصلی ترین ارگان های حیاتی آن اند. اگر خیابان ها گرفته و زشت باشند ، شهر گرفته و زشت خواهد شد. حفظ امنیت شهر ، وظیفه اساسی خیابان ها و پیاده راه های شهر است. نشانه یک ناحیه شهری موفق آن است که فرد در خیابانهای مملو از بیگانگان آن احساس امنیت فردی و اطمینان کند. او نباید خود به خود احساس کند که مورد تهدید قرار دارد. برای ترسیدن مردم نیازی به وقوع موارد متعدد خشونت خیابان های یک شهر و ناحیه شهری نیست . ترس مردم از خیابان ها موجب استفاده کمتر آنها از خیابان شده و به نوبه خود خیابان ها را نا امن تر می کند. مشکل نا امنی پیاده راه ها و محوطه های خارج از خانه در شهرهایی که آگاهانه مورد نوسازی قرار گرفته اند همان قدر جدی است که در شهرهایی این جهت عقب مانده اند. برای مثال برخی از امن ترین پیاده راه در شهر نیویورک ، در هر ساعتی از روز یا شب در جاهایی قرار دارند که مردم فقیر یا گروه های اقلیت زندگی می کنند و برخی از خطرناک ترین آنها نیز در خیابان هایی قرار گرفته اند که در اشغال همان نوع از مردم است.

## ۳-۵- کاربردهای پیاده راه: ارتباط

اعتماد یک خیابان شهر ، در طول زمان از بسیاری ارتباطات کوچک عمومی پیاده راه حاصل می شود. آشکار است که بسیاری از این ارتباطات کم مایه اند. اما حاصل جمع آن ها به هیچ روی کم مایه نیست . حاصل چنین ارتباط عمومی در یک سطح محلی احساس هویت برای مردم است ؛ شبکه ای از احترام و اعتماد عمومی و منبعی برای مواقع نیاز شخصی و محله ای . فقدان این اعتماد برای خیابان یک شهر فاجعه است . بنابراین خلوت شهر ها پرارزش و غیر قابل اجتناب است ، اما در بسیاری از نقاط دست یافتنی نیست . در سکونتگاه های کوچک همه کار و بار شما را می دانند. اما در شهر هیچ کس - به جز آنهایی که شما انتخاب کرده اید - چیز زیادی درباره شما نمی دانند . همچنین می توان اینگونه گفت که ادبیات معماری و برنامه ریزی با خلوت بر حسب پنجره ها ، مشرف ها و خطوط بصری برخورد می کند . خلوتی که در آن امور مربوط به شخص تنها برای اشخاص منتخبی قابل دسترسی است و خلوتی که امکان کنترل منطقی را بر زمان هجوم دیگران بر وقت شما فراهم می آورد . لذا در یک محله خوب ، خیابان شهری به تعادلی عالی بین عزم مردمش برای داشتن خلوت ضروری و آرزوهای همزمان آنها در رابطه با داشتن درجات مختلف ارتباط و تماس ، لذت جویی یا کمک از مردم پیرامون خود دست می یابد . خط تمایز بین دنیای عمومی شهر و دنیای خلوت به علت فراوانی فرصت های برقراری ارتباط عمومی در فعالیت های پیاده راه ، و یا در خود پیاده راه، هنگامی که مردم از جایی به جایی می روند یا برای دل خود پرسه می زنند ، همچنین به علت حضور میزبان عمومی فراوان، بدون آنکه موجب آزار کسی گردد ، می تواند حفظ شود هم بودگی نامی است برای یک ایده قدیمی در تئوری برنامه ریزی که شایسته لقب تهوع آور است . ایده ، چنین است که اگر مردم در چیزی سهیم شوند در چیزهایی بیشتری نیز می توانند سهیمی گردند . " هم بودگی " که ظاهرا منبع معنوی حومه های جدید است ، در شهرها ویرانگرانه عمل می کنند . نیاز به شراکت، بیشتر مردم را از هم دور می سازد . هنگامی که ناحیه ای از یک شهر فاقد زندگی پیاده راه باشد ، اگر مردم محل ،



ارتباط مشابهی را با همسایگان خود مد نظر داشته باشند ناچار به گسترش زندگی خصوصی خویش اند. آنها ناچار به استقرار نوعی "هم بودگی" می شوند که در مقایسه با پیاده راه ناچار چیزهایی بیشتری را با یکدیگر شریک خواهند شد. در غیر این صورت عدم ارتباط ناگزیر خواهد بود. ماحصل ناگزیر، چه این باشد و چه آن، نتایجی پریشان کننده در پی خواهد داشت.

### ۳-۶- ضرورت ساختمان های سالخورده

شهرها به شدت به ساختمان های قدیمی نیاز دارند. منظور از ساختمان های قدیمی، ساختمان های کهن موزه ای یا ساختمان های قدیمی مرمت شده ای که در وضعیت عالی و گرانی قرار دارند نیست بلکه منظور تعداد زیادی ساختمان های ساده معمولی و کم قیمت است. اگر این ناحیه شهری تنها ساختمان های نو داشته باشند، کسب و کارهایی که می توانند آنجا حضور داشته باشند، خود به خود آن دسته از کسب و کارهایی خواهند بود که قادر به حمایت از هزینه های بالای ساختمان های جدیدند. کسب و کارهایی که از هزینه ساختمان های جدید حمایت می کنند، باید قادر به پرداخت یک بالاسری نسبتا بالا نسبت به ساختمان های قدیمی باشند. برای حمایت از چنین بالاسری بالایی کسب و کارها باید دارای الف : سودآوری بالا ب : یارانه خوب باشند. صدها کسب و کار معمولی که برای امنیت زندگی عمومی خیابان و محله ها ضروری اند، و به علت راحتی و کیفیات شخصی مورد تقدیرند در ساختمان های قدیمی با موفقیت عمل می کنند. اما قتل آنها توسط بالاسری های بالای ساختمان جدید محتوم است. تنوع موفق در هر کجای یک شهر به معنی ترکیب کسب و کارهای پر رونق، میان رونق، کم رونق و بی رونق است. تنها آزار ساختمان های سالخورده برای یک منطقه یا خیابان شهر، آزاری است که در حقیقت از چیزی جز سالخوردگی ناشی نمی شود- آزاری که در هر چیز پیر و پوسیده وجود دارد. اما یک ناحیه شهری در چنین موقعیتی به علت آنکه سراسر قدیمی است، شکست خورده نیست.

### ۳-۷- کاربردهای پارک های محلی

به طور سنتی به پارک های محلی یا فضاهای باز پارک مانند، همچون موهبتی اعطا شده برای جمعیت محرومیت کشیده شهرها، نگریسته می شود. اما باید پارک های شهری را مکان های محروم بدانیم که نیازمند اعطای موهبت زندگی و قدردانی اند. زیرا مردم استفاده کردن را به پارک ها اعطا کرده، موفقیت را به آن ارزانی می دارند و در غیر این صورت استفاده را دریغ کرده پارک ها را به شکست و طرد محکوم می نماید. پارک ها مکان هایی دمدمی هستند. آنها تمایل به دو افراط دارند: مردم پسندی و مردم نا پسندی. آنها می توانند مشخصه خای دلپذیر مناطق شهری و دارایی های اقتصادی اطراف خود باشند. بنابراین این که پارک های محلی اصول کل مشخص درباره رفتار پارک را با صراحت بیشتری در مقایسه با پارک های تخصص یافته از خود نشان می دهند، دقیقا به علت این است که پارک های محلی از پارک های شهری ما شکل عمومی تری دارند. آنها به مثابه حیاط های عمومی محلی نوعا برای استفاده های گذران کلی در نظر گرفته شده اند. پارک های نا محبوب دردرس سازند. نه فقط برای فرصت های از دست رفته و هدر شده که مستلزم آند، بلکه به علت اثرات منفی فراوان خود. آنها همان مشکلات خیابان های فاقد چشم را دارند. خطر آنها به نواحی اطراف سرایت می کند، تا جایی که خیابان های در امتداد چنین پارک هایی نیز به عنوان مکان های خطر شناخته شده و از آنها پرهیز می شود. همچنین یک پارک عمومی محله که یکنواختی کارکردی محیط اطراف خود را تحمل می کند، به هر شکل، بی شک برای بخشی از روز یک خلأ است. در شهر ها



، سرزندگی و تنوع، سرزندگی بیشتر را به خود جلب می کند و مرگ و یکنواختی زندگی را پس راند. این امر نه فقط برای شیوه های رفتار اجتماعی شهرها، بلکه برای راه های رفتار اقتصادی آنها نیز اصلی حیاتی است.

### ۳-۸- محیط شهری و تاثیر آن بر انسان

اگر محیط شهری و معماری را شکل دادن هدفمند به مکان و محیط زندگی انسان تعریف کنیم، درمی یابیم که دو عامل «شکل» و «زندگی» در بطن آن است. اثر معماری همانند ظرف است و معمار در پی ساختن این ظرف، و آنچه در این ظرف می آید زندگی انسان است. پس انسان هم سازنده ظرف است و هم خود به صورت مظروف در آن قرار می گیرد و شکل می پذیرد. ایروین آلتمن می گوید: محیط و رفتار آنقدر در هم تنیده شده اند که به سختی میتوان آنها را از هم تفکیک کرد رفتار را نمیتوان مستقل از رابطه درونی با محیط درک کرد رفتار را باید در بستر محیط تعریف کرد. بنابراین با تعریفی ساده تر میتوان اینگونه گفت که محیط را به شکل ضمنی هر آنچه در اطراف ما است، چه ساخته شده چه طبیعی، می توان نامید. با این وجود تعریف ما از محیط بسته به نوع برداشت و استفاده ما از محیط متفاوت است: «جغرافی دانان زمین آب و هوا، روان شناسان مردم و شخصیت فردی آنها، جامعه شناسان سازمان های اجتماعی و فرآیندها و معماران ساختمان ها و محیط های باز و منظر را محیط تعریف می کنند بسیاری از عوامل غیرفیزیکی موجود در محیط می توانند محیط را متاثر کنند. محیط های طبیعی اغلب به عنوان عواملی که از فشار روحی می کاهند در نظر گرفته می شوند اما گاهی در شمار موارد استرس زا قرار می گیرند. محیط را می توان به طرق مختلف برحسب موارد گوناگون دسته بندی کرد. از جمله دسته بندی هایی که در مورد محیط انجام شده تقسیم بندی جان لنگ است وی محیط را در زیر گروه های محیط کالبدی، محیط اجتماعی، محیط روانشناختی و محیط رفتاری تقسیم بندی می کند (محیط کالبدی شامل محیط های زمینی و جغرافیایی، محیط اجتماعی شامل نهادهای متشکل از افراد و گروه ها، محیط روانشناختی شامل تصاویر ذهنی مردم و محیط رفتاری مجموعه عواملی است که فرد به آن واکنش نشان می دهد)

### ۴- نتایج پژوهش

هنگامی که یک کاربری اصلی به صورتی مؤثر با کاربری اصلی دیگری که مردم را در زمان های مختلف به خیابان می کشاند، ترکیب شود، از نظر اقتصادی اثر محرک دارد؛ محیطی مساعد برای تنوع ثانویه. تنوع ثانویه به کسب و کارهایی اطلاق می شود که در پاسخ به حضور کاربری های اصلی، به منظور خدمت به مردمی که کاربری های اصلی به آنجا می کشاند رشد می کنند. اگر این کاربری ثانویه تنها به یک کاربری اصلی، صرف نظر از نوع آن خدمت کنند ذاتا ناکارا خواهد بود. اما در خدمت به کاربری های مختلط اصلی، می تواند ذاتا کارا و پر نشاط باشد. با توجه به مطالب اشاره شده می توان اینگونه بیان داشت اگر پخش کاربری خیابان موجب پخش نیازها یا سلیقه های گوناگون مشتری در طول روز شود، همه انواع خدمات و مغازه های منحصر به فرد شهری و تخصصی، در روندی خود به خودی، سر بر خواهند آورد. هر چقدر ذخایر استفاده کنندگان به طریقی پیچیده تر مختلط و بنا بر این کارا تر باشد، خدمات و مغازه های بیشتری که باید مشتریان خود را از بین همه نوع جمعیت غربال کنند، وجود خواهند داشت. به نوبه خود مردم بیشتری به آنجا کشیده خواهند شد.

## منابع:

- ۱- طباطبائی، مریم؛ تمنایی، مینا (۱۳۹۱)، نقش محیط های ساخته شده در سلامت روان: مجله معماری و شهرسازی آرمانشهر، شماره ۱۱ پاییز و زمستان ۱۳۹۲
- ۲- مرتضوی، شهرناز (۱۳۸۰)، روانشناسی محیط، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی
- ۳- لنگ، جان (۱۳۸۱)، آفرینش نظریه معماری، نقش علوم رفتاری در طراحی محیط، چاپ چهارم، ترجمه علیرضا عینی فر، تهران، انتشارات دانشگاه تهران
- ۴- اندرو، مک؛ تی، فرانسیس (۱۳۷۸)، روانشناسی محیطی، ترجمه غلامرضا محمودی، تهران، انتشارات زرباف اصل
- ۵- آلتمن، ایروین (۱۳۸۲)، محیط و رفتار اجتماعی، خلوت، فضای شخصی، قلمرو و ازدحام، ترجمه علی نمازیان، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی
- ۶- نمازیان، علی؛ قارونی، فاطمه (۱۳۹۲)، حلقه گمشده روان شناسی محیط آموزش معماری، نشریه علمی پژوهشی انجمن علمی معماری و شهرسازی ایران، شماره ۵، بهار و تابستان ۹۲
- ۷- فلاح، محمدصادق (۱۳۹۵)، مفهوم حس مکان و عوامل شکل دهنده آن- نشریه هنرهای زیبا شماره ۲۶، تابستان ۱۳۹۵
- ۸- قعله نویی، محمود؛ زمانی، بهادر؛ پیمانفر، سپیده (۱۳۹۶)، فراتحلیل مطالعات دل بستگی به مکان، مجله مدیریت شهری، شماره ۴۸- پاییز ۱۳۹۶
- ۹- دانشور، عبدالهادی؛ سپهری مقدم، منصور؛ چرخچیان، مریم (۱۳۸۸)، تبیین مدل «دل بستگی به مکان» و بررسی عناصر و ابعاد مختلف آن، نشریه هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی- دوره یک، شماره ۳
- ۱۰- باستانی، سوسن. ملکی پور، سمانه. (۱۳۹۵). بررسی تاثیر فضای شهری بر احساس شادمانی ساکنان ۹ محله شهر تهران. نشریه: توسعه محلی روستایی، شهری (توسعه روستای). دوره ۸ صفحات ۱-۲۶
- ۱۱- سماواتی، سحر. رنجبر، احسان. (۱۳۹۷). بازنشانی عوامل موثر بر شادی در فضاهای عمومی شهری (مطالعه موردی: محدوده پیاده راه مرکز تاریخی تهران). نشریه: مطالعات. شماره ۲۹. صفحات ۱-۱۸
- ۱۲- ایزدی، سعید. نیکوخوی، مونا. سماواتی، سحر. (۱۳۹۱). بررسی نقش مولفه های کیفیت بخش قلمرو پیاده در سرزندگی و کارآمدی خیابان های شهری (مطالعه موردی: خیابان بو علی سینا همدان). نشریه: جغرافیای فضای گردشگری- صفحات ۱۰۳-۱۱۸

13- Snodgrass, J., Russell, J. A., & Ward, L. M. (1988). Planning, mood, and placeliking. *Journal of Environmental Psychology*, 8(3), 209-222